

دکتر حسن فرهودی نیا *

آیا قصد ارتکاب جرم قابل تعقیب است؟

چکیده:

تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مجرد قصد ارتکاب جرم را موجبی برای تعقیب و مجازات نمودن مرتکب نمی داند. مفاد برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از جمله ماده ۶۱۰ و ۵۱۱ و ... موهم خلاف قاعده مذکور در تبصره اشعاری است. این امر موضع قانونگذار جمهوری اسلامی ایران را در پرده ابهام قرار داده است. در مقاله حاضر، اصل و قاعده مورد اشاره در تبصره ماده ۴۱ از منظر فوق الاشعار مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً مدلل شده است که اصل غیر قابل تعقیب بودن قصد ارتکاب جرم هم در حقوق عرفی و موضوعه و هم از جهت مبنای دینی، اصلی است خدشه ناپذیر که هیچ استثنایی ندارد و مواردی که در آنها شبهه استثنا بودن وجود دارد،

*- عضو هیات علمی گروه حقوق قضایی دانشگاه تبریز.

تعیین مجازات برای تظاهرات و جلوه های خارجی آنها است و اینگونه نیست که «تصمیم محض» در خور کیفر شناخته شده باشد.

واژگان کلیدی: جرم، تعقیب، قصد، تصمیم، قانون.

مقدمه

«پدیده جرم» مانند هر پدیده دیگری در تحقق خود مراحل را طی می کند که آن را «مسیر مجرمانه»^۱ می نامند. یکی از مراحل یاد شده مرحله ای است که مجرم درباره جرم ارتكابی خود می اندیشد و پیرامون آن به تفکر می پردازد. به بیان دیگر در این مرحله تصویر جرم در ذهن مرتکب نقش می بندد. آیا در این مرحله مرتکب قابل مجازات است و می توان او را به صرف داشتن اندیشه مجرمانه تحت تعقیب قرار داد و مجازات کرد؟

پاسخ این سوال در اغلب نظامهای جزائی پیشرفته منفی است. تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ایران نیز در همین رابطه مقرر می دارد: «مجرد قصد ارتكاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست» با این حال از بررسی و مذاقه در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی خلاف این اصل استنباط می گردد و به نظر می رسد که قانونگذار در موارد اخیرالذکر صرف اندیشه مجرمانه را قابل تعقیب و مرتکب را در خور کیفر دانسته است. هدف این مقاله تعیین تطبیقی موضع مقنن جمهوری اسلامی ایران در این زمینه با برخی از قوانین جزائی است، تا مشخص سازد که حکم تبصره ذیل ماده ۴۱ به عنوان یک اصل تمام عیار در نظام جزائی کشور پذیرفته شده است و یا مقنن مواردی را از دایره آن اصل استثناء کرده و حسب مورد دارندگان اندیشه مجرمانه را شایسته کیفر می داند.

برای نیل به این مقصود موضوع مقاله، تحت دو عنوان کلی «اصل جرم نبودن قصد ارتکاب جرم» و «استثنائات قانونی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در پایان از مباحث مطروحه، نتیجه گیری شده است.

۱- اصل جرم نبودن قصد ارتکاب جرم

مسیر جنایت متضمن چهار مرحله به شرح ذیل است: مرحله تصویر جرم و تصمیم بر ارتکاب آن نخستین مرحله است که به طور معمول، جرم، با اندیشه و تفکر صرف پیرامون آن در ذهن مرتکب پدید می آید و او را به خود مشغول می سازد.

گام بعدی، مرحله تهیه مقدمات است. در این مرحله مرتکب آلات و ادوات جرم را تهیه و تدارک می بیند. به بیان دیگر اندیشه جرم و تصمیم بر ارتکاب آن از ضمیر و درون شخص به بیرون انتقال می یابد و لاجرم فاعل به تهیه مقدمات جرم دست می یازد. مثلاً به قصد سرقت، کلید تهیه می کند؛ به قصد قتل، اسلحه می خرد و ... در مرحله سوم مرتکب به اعمالی دست می زند که با فاصله اندک و مستقیماً به وقوع جرم مورد نظر منتهی می گردد و اگر عملیات مرتکب با مانعی برخورد نکند، جرم تام پدید می آید.

مرحله پایانی مسیر مجرمانه، مرحله ای است که بزهکار با گذر از مرحله پیشین موفق می شود تا جرم مورد نظر را به صورت کامل انجام دهد. مثلاً اگر قصدش سرقت مال غیر است، آن را بریابد و هکذا.

حقوق جزا و به تبع آن دست اندرکاران و حاکمان جامعه در برخی از این مراحل، مجاز به مداخله و در برخی از آنها ممنوع از مداخله هستند.

مرحله تفکر و اتخاذ تصمیم علی القاعده از مراحل محسوب می شود که حاکمان جامعه از طریق اعمال مقررات کیفری از مداخله و ورود به آن ممنوع

شده‌اند. ساحت فکر و اندیشه هر چند مجرمانه باشد باید از دست اندازی دیگران در امان بماند. کم و کیف این مساله ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- مرحله تفکر و اخذ تصمیم

به طوری که اشاره شد این مرحله همان مرحله درونی یا نفسانی جرم است. زیرا جرم در این مرحله بیش از «اندیشه محض» چیز دیگری نیست. با اینکه قوانین کیفری در این رابطه فراز و نشیب‌هایی را پشت سر نهاده‌اند، لیکن امروزه اصل بر این است که ما فی الضمیر و هر آنچه در درون انسان راه می‌یابد اعم از اندیشه و تدبیر و تصمیم حتی در فرض ثبوت نیز مشمول قانون جزا قرار نگیرد.

یکی از صاحب نظران در همین زمینه می‌گویند: «هر فعل اختیاری به ناچار دارای مقدماتی است که برخی از آنها غیر اختیاری‌اند؛ از قبیل تصور فعل، نهایت و غایت آن و میل به سوی انجام آن ... این مقدمات متصف به حسن و قبح نمی‌شود و فاعل مستحق ثواب و عقاب نمی‌باشد.^۲»

ممکن است برخی از امور یاد شده مانند تصمیم بر ارتکاب جرم با لحاظ جنبه‌های اخلاقی و آداب شخصی در خور ملامت و نکوهش باشد، مع الوصف از آن جایی که در محدوده ضمیر داخلی قرار دارد باید از سیطره قانون جزا خارج باشد. به علاوه عدم مجازات مرتکب در این مرحله و جرم ندانستن آن باعث می‌شود که مرتکب از آغاز عملیات اجرائی جرم مورد نظر انصراف حاصل کند و حال آنکه در صورت جرم دانستن، ممکن است عکس قضیه رخ دهد.^۳

همچنین اراده مرتکب در این مرحله نهایی و قطعی نشده است و زمانی اراده دارای این خصیصه خواهد بود که با ارتکاب اعمال و افعالی صورت

خارجی پیدا می کند. با این تجلی، میان اندیشه اصلی و جرم ارتكابی پل ارتباطی ایجاد می گردد.

۱-۲- بررسی تطبیقی

تبصره یک ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی در تعقیب همین سیاست و در راستای تسجیل قاعده «جرم نبودن قصد ارتکاب» مقرر می دارد «مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست.» اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سوال: «در صورتی که شخصی در مرجع انتظامی اقرار نماید که قصد دارد با وسیله نقلیه اش کالای قاچاق وارد نماید و گمرک اعلام شکایت ننماید آیا می توان متهم را به اتهام شروع به قاچاق تحت تعقیب کیفری قرار داد یا خیر؟ پاسخ داده است «که ... بنابراین با شروع به عملیات اجرایی است که شروع به جرم مصداق پیدا می نماید و بین مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته، با شروع به جرم «مرز بسیار ظریفی» وجود دارد و قانونگذار برای [مجرد قصد ارتکاب] به استناد ماده ۱۶ قانون راجع به مجازات اسلامی، مجازات تعیین ننموده است. صرف نظر از مطالب فوق با فرض اینکه شروع به جرم مصداق داشته باشد نظر به اینکه اصل جرم بدون شکایت گمرک قابل طرح نیست به طریق اولی شروع به آن نیز بدون شکایت شاکی قابل تعقیب نمی باشد»^۴

ماده ۴۵ قانون مجازات کشور مصر نیز حکم مشابه دارد. در این ماده آمده است: «... صرف قصد و اراده ارتکاب جرم و تهیه مقدمات آن شروع به جنایت یا جنحه به حساب نمی آید.»^۵

در قانون مجازات سوریه و لبنان گرچه در این زمینه متن قانونی ویژه‌ای وجود ندارد، اما به عقیده علمای حقوق جزای این کشورها، در نظام کیفری کشور متبوع آنان نیز، به عنوان یک قاعده، تصمیم مجرمانه مانند اندیشه مجرمانه قابل تعقیب نیست.^۶ همین حکم در حقوق جزای فرانسه نیز وجود دارد.^۷

در حقوق جزای اسلامی نیز، صرف نیت مجرمانه، مجازات نمی‌شود و آنچه در قلب می‌گذرد و به مرحله اقدام پای نمی‌گذارد، فاقد عقوبت است. مضمون احادیث و روایات فراوانی حاکی از این است که «عماتوسوس به النفس» نه در این دنیا و نه در جهان باقی کیفر ندارد. از پیامبر اکرم (ص) منقول است که فرمود: «خداوند از امت من اندیشه‌های بدو پلیدی‌های درونی دیگر را تا زمانی که به آنها عمل نکرده یا به آنها سخن نگفته‌اند، چشم پوشی کرده است»^۸ همچنین در حدیث دیگر آمده است: «کسی که به یک اقدام نیک همت کند ولی آن را انجام ندهد، خداوند به وی پاداش می‌دهد و کسی که به گناهی مصمم گردد، و آن را انجام ندهد، در کارنامه اعمالش ثبت نمی‌شود».^۹

از موضوعات مسلم حقوق اسلامی، حکم و قضاوت کردن بر اساس ظاهر است. در این نظام، تجسس در کشف امور باطنی و انگیزه‌ها مطلوب و پسندیده نیست. در حقوق اسلام به اصل و قاعده غیر قابل مجازات بودن اندیشه و تصمیم مجرمانه به بهترین صورت عمل شده است. مثلاً درباره منافقانی که کفر خود را پنهان و به اسلام تظاهر می‌کردند، مانند مسلمانان رفتار شده و هرگز در جهت کشف مافی الضمیر آنان اقدام نشده است. قرآن کریم در همین زمینه می‌فرماید: «ای رسول چون منافقان نزد تو آمده گفتند که ما به یقین و حقیقت گواهی می‌دهیم که تو رسول خدایی (فریب نخور) خدا می‌داند که تو رسول اوئی و خدا گواهی می‌دهد که منافقان سخن دروغ می‌گویند، قسم‌های خود را

سپرجان خویش (و باز فریب مردم) قرار داده اند تا بدین وسیله راه خدا را (به روی خلق) ببندد.^{۱۰}

با اینکه قرآن صراحتاً می گوید که منافقان در اظهاراتشان صادق نیستند، مع الوصف «آنان مانند همه مسلمین از حقوق اجتماعی امت اسلامی بهره مند می شوند و ... اینها دلیل است بر اینکه اسلام به ظاهر حکم می کند و کنجکاوی به بواطن و اسرار نهفته در دلها و تجسس و تفتیش عقاید را محکوم کرده و کسی را بدان مجاز ننموده است.»^{۱۱}

بدین ترتیب مشخص می شود که قصد مجرمانه و تصمیم بر ارتکاب جرم، نه در حقوق جزای اسلامی و نه در قوانین جزایی موضوعه یا عرفی قابل تعقیب نبوده و مجازات ندارد و این امر به صورت یک قاعده حقوقی در آمده است.

اینک باید دید احکامی که در برخی از مواد قانون جزای ایران وجود دارد آیا استثنا بر اصل یاد شده محسوب می شوند و یا در تحلیل نهایی، آن احکام، استثناء به حساب نمی آیند و در واقع این اصل در حقوق جزای فعلی ایران خدشه ناپذیر است؟ این موضوع را ذیلاً مورد بررسی قرار می دهیم:

۲- استثنائات قانونی

در قوانین موضوعه گاهی با مواردی از قانون مجازات برخورد می کنیم که در بادی نظر قاعده کلی غیر قابل مجازات بودن تصمیم بر ارتکاب جرم را نقض کرده اند. علاوه بر ماده ۷۲ ناظر به ماده ۷۰ و بند ۲ از ماده ۶۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ایران^{۱۲}، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نصوص و مواد پراکنده ای وجود دارد که از این حیث شایسته بحث و بررسی مستقل هستند. از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۲-۱- عضویت در دسته یا گروه

ماده ۴۹۹ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.»

با دقت در مفهوم این حکم قانونی، مبرهن می‌گردد که عضویت در دسته یا جمعیتی که هدف از تشکیل آن بر هم زدن امنیت کشور باشد، به منزله اتخاذ تصمیم است ولی مقنن آن را قابل تعقیب دانسته است.

۲-۲- تهدید

ماده ۵۱۱ ق.م.ا. بیان می‌دارد «هر کس به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی، تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی نماید، یا ادعا نماید که وسایل مذکور بمب‌گذاری شده است، علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص به حبس شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.»

در ماده ۶۹۹ از قانون موصوف آمده است: «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

در این مواد مقنن، صرف تهدید برای اخذ وجه یا تهدید به بمب‌گذاری را جرم تلقی کرده، مرتکب را شایسته کیفر دانسته است. در صورتی که مرتکب آن جز «اتخاذ تصمیم» کاری انجام نداده است.

۲-۳- اجتماع و تبانی

در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی آمده است. «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند، یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند، در صورتی که عنوان محارب بر آن صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.» در این ماده اجتماع و تبانی برای ارتکاب که به معنای اتخاذ تصمیم بر آن است، جرم و قابل مجازات دانسته شده است.

آیا موارد مذکور در قانون مجازات اسلامی استثناء بر اصل محسوب می شوند و مجازات آنها صرفاً مبتنی بر تصمیم به ارتکاب جرم است؟ حقیقت این است که امور مذکور از نظر ماهوی و واقعی جنبه استثنائی ندارند بلکه تظاهرات و جلوه های بیرونی دارند که نظم جامعه را مختل می سازند. امری که در این حالتها قانوناً قابل مجازات دانسته شده فراتر از تفکر محض در ارتکاب جرم یا اتخاذ تصمیم درباره آن است. آن حالتها از مرحله نفسانی و داخلی خارج گشته، نمود و جلوه بیرونی و ظاهری یافته اند که نظم جامعه را بر هم می زند. فی الواقع در موارد مذکور تصمیم مجرمانه مرتکب به وسیله گفتار و یا از طریق اشاره و یا کتابت بروز داده شده، نمود خارجی پیدا کرده است. یعنی از مجرم عملی سر زده است که آن عمل، رکن مادی جرم را تشکیل می دهد. مثلاً اگر تهدید، قابل مجازات دانسته شده به این اعتبار است که یک عمل خارجی محسوب می گردد که به تنهایی می تواند در نظم عمومی اختلال ایجاد کند؛ آن گونه که در متن ماده ۵۱۱ به آن تصریح شده است، لذا قانونگذار برای این قبیل تظاهرات و نه فقط به تصمیم محض مجازات تعیین کرده است.^{۱۳}

نتیجه گیری

قصد مجرمانه و تصمیم بر ارتکاب جرم نخستین گام در مسیر جنایت تلقی می گردد. هر چند ممکن است از حیث ملاحظات اخلاقی و آداب شخصی، تفکر پیرامون جرم در خور ملامت و نکوهش باشد، اما این امر نباید مجوز ورود و مداخله قدرت حاکمه به این عرصه از حیات حکومت شوندگان به شمار آید. زیرا چنین چیزی نه تنها به جهت مشکل اثبات، عملی نیست زیرا لازمه آن مداخله در زوایای درونی افراد است، دور از سیاست جنایی معقول نیز محسوب می شود؛ چه آنکه اشخاص را به تکمیل فکر مجرمانه خود وادار و تشویق خواهد کرد. اگر مجرم فرضی بداند که در هر حال مجازات خواهد شد ترجیح می دهد تا با ارتکاب و اتمام جرم حداقل از لذات احتمالی آن بهره مند گردد.

قانونگذاران عقل گرا نیز با چنین ملاحظاتی است که جرم نبودن قصد مجرمانه و اتخاذ تصمیم را به عنوان یک اصل پذیرفته اند. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با تصویب تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی از این حیث خود را در ردیف قانونگذاران هوشمند و با سیاست قرار داده است. اگر توجه کنیم که در حقوق جزای اسلامی قصد مجرمانه قابل مواخذه دانسته نشده است و اصل غیر قابل مجازات بودن «قصد» ریشه دینی هم دارد باید بپذیریم که قاعده موضوع تبصره ۱ ذیل ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی قاعده ای بلا استثناء و غیر قابل تخییش و مناقشه است و مواد دیگر قانون مجازات اسلامی را که ظاهراً با این حکم در معارضه اند باید به گونه ای تفسیر کرد که فقط در صورت تجلی و بروز خارجی، عناوینی از قبیل تهدید و قصد براندازی قابل پیگرد جزائی باشند و لا غیر.

پی نوشتها

۱- Letter criminis

۲- حائری طهرانی، شیخ عباس، رسائل فی الاصول و الفقه ، تحقیق و تقدیم و تعلیق، علی الفاضل النجفی، چاپ اول، انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع)، قم، ۱۳۷۰، ص ۲۲ و ۳۰.

۳- داور، میرزاعلی اکبر، حقوق جزا، چاپ اول، تهران ، انتشارات کتابخانه مرکزی ناصر خسرو ، تهران، بی تا، ص ۶۱ و ۵۲. به عقیده این نویسنده قانون نباید بگوید کسی که مثلاً خیال و عزم دزدی دارد ولو اینکه عزم خود را به موقع اجرا نگذارد، باید او را مجازات کرد، زیرا این دستور در اکثر ممالک هم غیر عملی است و هم خلاف سیاست است. غیر عملی است، زیرا قابل اثبات نیست و دور از سیاست است ... زیرا مجرم می گوید به هر حال مجازات خواهم شد و نیز: ر. ک.

M. kanner, Le droit simple et complet, 5' édition, paris, L. G. D. J 1985, p, 237.

۴- نظریه شماره ۷/۱۹۵۵ - ۱۳۶۵/۴/۸ ، شهری- غلامرضا و ستوده جهرمی - سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۵۸ تا ۱۳۷۱، جلد اول، چاپ روزنامه رسمی، بهار سال ۱۳۷۳.

۵- متن ماده ۴۵ قانون مجازات مصر «الشروع هو البدء فی تنفيذ فعل بقصد ارتکاب جنایه او جنحه اذا وقف او خاب اثره لاسباب لادخل لاراده الفاعل فیها و لا يعتبر شروعاً فی الجنایه او الجنحه مجرد العزم علی ارتکابها و لا الاعمال التحضیریه لذلك». قانون مجازات مصوب ۱۹۳۷ مصر با اصلاحات بعدی دارای ۳۸۶ ماده است. آقای دکتر احمد الحصری، آخرین بخش جلد اول

تالیف خود تحت عنوان «السیاسه الجزائیه فی فقه العقوبات الاسلامی» را به این قانون اختصاص داده است.

۶- فرید الزغبی، الموسوعه الجزائیه، جلد دوم، چاپ دوم، دارصادر، بیروت، ۱۹۹۵، ص ۱۷. الفاضل، محمد، المبادئ العامه فی التشريع الجزایی، مطبعه الداودی، دمشق، ۱۹۷۶، ص ۱۸۱. به عقیده این مولف چون مقنن سوری شروع به اجرا را قابل مجازات دانسته، بدیهی است که مرحله ما قبل آن کیفر نداشته باشد.

7 - Frederic Desportes et Francis le Gunehec, Le nouveau droit pénal, tome 1, troisième édition, Paris Economica, 1996, p. 332.

۸- ابوزهره محمد، الجرمه و العقوبه فی الفقه الاسلامی (القسم العام) قاهره مکتبه الانجلو قاهره، بی تا، ص ۳۷۶.

۹- همان ص ۳۷۶. در حدیث رفع به نقل از رسول اکرم (ص) آمده است از امت من نه چیز برداشته شده است که در آنها تکلیف و مواخذه نیست: ۱- خطا و اشتباه ۲- فراموشی. ۳- آنچه به زور بر انجام آن وادار شوند. ۴- آنچه را نمی دانند. ۵- آنچه را طاقت ندارند. ۶- بر آنچه مضطر به انجام آن می شوند. ۷- فال بد زدن. ۸- رشک بردن. ۹- اندیشیدن در وسوسه خلق و ضرر رسانیدن به آنان تا هنگامی که بر زیان جاری نساخته اند. به نقل از: فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، چاپ دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ۱۷۷ و ۲۵۴.

۱۰- آیات ۲ و ۳ سوره منافقون: اذا جائك المنافقون قالوا نشهدانك لرسول الله والله يعلم انك لرسوله، والله يشهد ان المنافقون لكاذبون، اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله، ترجمه این آیات از قرآن ترجمه الهی قمشه ای نقل شده است.

۱۱ - فیض، علیرضا، پیشین، ص ۱۷۸.

۱۲ - ماده ۷۲ - هرگاه جماعتی در خفا برای ارتکاب جنایات مذکوره در ماده (۷۰) دسته بندی و تصمیم کنند جزای آنها حبس تادیبی از یک الی سه سال است و اگر هنوز شروع به اجرای مقصود نکرده و عملی از آنها سرنزده باشد جزای آنها حبس تادیبی از سه ماه تا یکسال است و اگر کسی دعوت به اجتماع مذکوره کرده ولی دعوت او به اجابت نرسیده است جزای او حبس تادیبی از یک الی شش ماه خواهد بود.

ماده ۷۰ - هر کس اهالی را به جنگ و قتال با یکدیگر اغوا و تحریک کند که موجب قتل در بعضی از نواحی گردد محکوم به اعدام است و اگر تحریکات فقط باعث نهب و غارت گردد جزای او از سه تا پنج سال حبس با اعمال شاقه است و در صورتی که تحریکات او موثر واقع شده باشد محکوم به تبعید است. جزای کسی که مدیریت دسته یا جماعتی را که مرتکب جنایات مذکوره در این ماده و ماده قبل شده اند دارا بوده جزای محرک است.

بند ۲ ماده ۶۰ - هر ایرانی که عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی باشد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا مرام یا رویه آن اشتراکی است اگرچه آن دسته یا شعبه در خارج ایران تشکیل شده باشد.

۱۳ - برای مطالعه بیشتر: ر. ک. عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، جلد اول، چاپ پنجم، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۳، ص ۱۱۶ محمد علی معتمد، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۵۸. و برای دیدن موارد مشابه در حقوق سایر کشورها مراجعه کنید: محمود نجیب حسنی، شرح العقوبات النسانی (القسم العام)، بیروت، دارالنهضة العربیه،

۱۹۸۴، ص ۳۴۲ و ۳۴۳، محمد الفاضل، پیشین، ص ۱۸۲. جندی عبدالملک،
الموسوعه الجنائیه، جلد ۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص ۴۰۵ و ۴۰۶.

منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کرم.
- ۲- ابوزهرة - محمد: الجريمه و العقوبه فى الفقه الاسلامى (القسم العام)، قاهره، مكتبه انجلو.
- ۳- جندى - عبدالملك : الموسوعه الجنائيه، جلد ۴، بيروت، داراحياء التراث العربى.
- ۴- حائرى طهرانى - عباس: رسائل فى الاصول و الفقه، چاپ اول، قم، انتشارات بنياد فرهنگى امام مهدى (ع) ۱۳۷۰.
- ۵- الحصرى - احمد: السياسه الجزائيه فى فقه العقوبات الاسلامى، جلد اول، چاپ اول، بيروت، دارالجيل، ۱۹۹۳.
- ۶- داور - على اكبر: حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات كتابخانه مركزى ناصر خسرو.
- ۷- الزعبى - فريد: الموسوعه الجزائيه، جلد دوم، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۵.
- ۸- شهرى، غلامرضا و ستوده جهرمى، سروش: نظريات اداره حقوقى قوه قضائيه در زمينه مسائل كيفرى ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، جلد اول، چاپ روزنامه رسمى کشور، ۱۳۷۳.
- ۹- على آبادى، عبدالحسين: حقوق جنائى، جلد اول، چاپ پنجم، چاپخانه بانک ملي، ۱۳۵۳.
- ۱۰- الفاضل، محمد: المبادئ العامه فى التشريع الجزائى، دمشق، مطبعه الداودى، ۱۹۷۶.

- ۱۱- فیض، علیرضا: مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۱۲- معتمد: محمد علی: حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- نجیب حسنی، محمود: شرح العقوبات اللبانی (القسم العلام)، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۴.
- 14- Frédéric Desportes et Francis le Gunenec, Le nouveau droit pénal, tome 1, Troisième édition, paris Economica, 1996, p. 332.
- 15- M. Kanner, Le droit simple et complet, Seme edition, paris, L. G. D. J. 1985.